

مقاله پژوهشی

## مفهوم‌پردازی عوامل تأثیرگذار بر گرایش دانش‌آموختگان آموزش عالی به کارآفرینی با روش فراترکیب

Doi: 10.30508/kdip.2021.292044.1006

یوسف محمدی‌فر<sup>۱</sup> | اردوان حریری<sup>۲</sup> (نویسنده مسئول) | سهراب دل‌انگیزان<sup>۳</sup>

- ۱- استادیار دانشکده اقتصاد و کارآفرینی دانشگاه رازی کرمانشاه، ایران، کرمانشاه  
۲- دانش‌آموخته کارشناسی ارشد کارآفرینی- فناوری دانشگاه رازی کرمانشاه، مدیر اداره حمایت از طرح‌های پژوهشی و فناوری دانشگاه علمی کاربردی استان کرمانشاه، ایران، کرمانشاه  
۳- استادیار گروه اقتصاد و کارآفرینی دانشگاه رازی کرمانشاه، ایران، کرمانشاه

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۰۴/۰۴

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۰۸/۲۹

صفحه: ۲۶-۴۱

### چکیده

در سالیان اخیر تعداد فارغ‌التحصیلان دانشگاهی بیکار افزایش چشمگیری داشته که این مهم، چالشی برای نظام برنامه‌ریزی کشور ایجاد کرده است. یکی از روش‌های مواجهه با این مسئله، فعالیت‌های کارآفرینی است که کمتر از آن استقبال می‌شود. در این مقاله به بررسی و مفهوم‌پردازی عوامل گرایش دانش‌آموختگان آموزش عالی به کارآفرینی، با استفاده از روش پژوهش فراترکیب پرداخته شده است. بر این اساس مقالات منتشرشده در پایگاه‌های معتبر علمی داخلی و خارجی، شناسایی، پیمایش، کدگذاری و تحلیل شدند. در ادامه با بهره‌گیری از روش «مصاحبه پژوهش کیفی» نظر خبرگان حوزه‌های مرتبط دریافت شد تا به صورت موازی، کثرت‌گرایی در پژوهش دنبال شود. برای تحقق این امر تا دستیابی به اشباع نظری، بیست مصاحبه عمیق نیمه‌ساختارمند، انجام شد. یافته‌های این مطالعه منتج به شناسایی ۴۰ مضمون و ۱۲ موضوع شد که بر گرایش فارغ‌التحصیلان دانشگاهی به فعالیت‌های کارآفرینانه تأثیرگذارند و در طیفی از تأثیرگذاری مستقل یا درهم‌تنیده ایفای نقش می‌کنند. یافته‌های تحقیق نشان داد، هرچند بیشترین تکرار مربوط به عوامل در سطح فردی، مانند: عوامل شخصیتی (آموزش، توسعه فردی، ریسک‌پذیری و...) است، لکن متغیرهای محیطی مانند: سیاست‌گذاری و ثبات سیاسی؛ متغیرهای اقتصادی؛ پتانسیل‌های منطقه، حمایت اجتماعی؛ فرهنگ؛ ارتباط دانشگاه، صنعت و دولت بر گرایش فارغ‌التحصیلان دانشگاهی به فعالیت‌های کارآفرینانه اثرگذارند.

**واژگان کلیدی:** دانش‌آموختگان آموزش عالی، بیکاری فارغ‌التحصیلان دانشگاهی، فعالیت‌های کارآفرینانه، فراترکیب

## ۱- مقدمه

در شرایط کنونی اقتصاد ایران با نرخ بیکاری به شدت بالایی مواجه است. این نرخ به ویژه در گروه سنی جوانان و گروه تحصیلی دانش‌آموختگان دانشگاهی قابل تأمل است. مطابق آخرین آمار ارائه شده در بهار ۱۴۰۰، نرخ بیکاری جوانان ۹/۶ درصد گزارش شده است که ۳۸/۹ درصد ایشان را دانش‌آموختگان دانشگاهی تشکیل داده‌اند (مرکز آمار ایران، ۱۴۰۰). بر همین اساس نرخ بیکاری فارغ‌التحصیلان آموزش عالی در استان‌های مختلف یکسان نبوده و این نرخ بین ۲۸/۵ درصد در استان کرمانشاه (بیشترین میزان) و ۱۱/۳ درصد در استان سمنان (کمترین میزان) در نوسان است (خبرگزاری مهر، ۱۳۹۸). کارآفرینی عامل اصلی ایجاد خلاقیت و نوآوری است و خلاقیت لازمه حل مشکلات (شفیعیان، محمدی الیاسی، احمدپورداریانی، خاندوزی و پاداش، ۱۴۰۰) از جمله مشکلات اقتصادی است. صاحب‌نظران کارآفرینی معتقدند کارآفرینان پیشگام‌اند و ساختارهای اجتماعی و اقتصادی را به منظور تبدیل منابع، موقعیت‌ها به وضعیت عملی، بازسازی می‌کنند و در این راه از مخاطرات نمی‌هراسند (شومپیتر، ۱۹۵۴؛ شاپیرو، ۱۹۷۵). می‌توان چنین نتیجه‌گیری نمود که گرایش عموم مردم به کارآفرینی موجب رونق گرفتن تولید، تجارت و کسب‌وکارها و در نتیجه توسعه اقتصادی گردد. در این میان گرایش فارغ‌التحصیلان دانشگاهی به کارآفرینی از جهات مختلف حائز اهمیت است. این گرایش از یکسو موجب کاهش نرخ بیکاری دانش‌آموختگان می‌شود و از سوی دیگر

شرایطی را فراهم می‌کند که طی آن امکان تأسیس شرکت‌های دانش‌بنیان میسر شده و این امر علاوه بر اشتغال تعداد بیشتری از بیکاران زمینه‌ساز توسعه پایدار گردد زیرا شرکت‌های دانشگاهی اغلب به‌عنوان یک مکانیسم سودمند برای تجاری‌سازی دانش علمی، تشویق نوآوری و تحریک رشد اقتصادی به شمار می‌روند (فرتی، فری، فیورنتین، پارمنتالو و ساپیو، ۲۰۱۹). تقویت گرایش کارآفرینی در دانش‌آموختگان موجب افزایش کشف و خلق فرصت‌های توسط ایشان شده و بهره‌برداری از این فرصت‌ها، خود زمینه‌ساز بروز یا ایجاد فرصت‌های جدید و کسب‌وکارهای جدید خواهد شد (ذبیحی، شجاعی و حامی، ۱۳۹۷). این امر به تکرار مداوم و مستمر چرخه پول-تولید منجر شده و افزایش قدرت خرید و در نتیجه تقاضا برای کسب‌وکارها را در پی خواهد داشت. ایجاد کسب‌وکارهای جدید به معنای افزایش ظرفیت اقتصادی کشور و رشد کسب‌وکارها به معنی استفاده از حداکثر ظرفیت‌های موجود و ایجاد ظرفیت‌های جدید است. بنابراین با توجه به نقش کارآفرینان در رشد و شکوفایی صنعتی و اقتصادی کشورها و همچنین اثرات مثبت آن بر کاهش نرخ بیکاری فارغ‌التحصیلان دانشگاهی، لازم است تا عوامل تأثیرگذار بر گرایش دانش‌آموختگان آموزش عالی به کارآفرینی بررسی و مفهوم‌پردازی گردد تا زمینه مهار موانع و تقویت مشوق‌های شناسایی شده مهیا شود.

1. Schumpeter
2. Shapiro
3. Ferretti, Ferri, Fiorentino, Parmentola, & Sapio

## ۲- مبانی نظری

در سال‌های اخیر توجه محققین داخلی به عوامل تأثیرگذار بر گرایش دانش‌آموختگان آموزش عالی به کارآفرینی بیش از گذشته جلب شده است. هر چند تحقیقات جامعی در این حوزه مشاهده نشد، اما تحقیق‌های زیر در ادبیات تحقیق، قابل توجه به نظر می‌رسد. به عنوان مثال؛ صفایی، ایزدی و موسیوند (۱۳۹۹) در یکی از تازه‌ترین تحقیق‌های این حوزه به دنبال تحلیل و مقایسه نیت کارآفرینانه دانشجویان دانشکده کشاورزی بوعلی سینا و پیام نور استان همدان بودند. نتایج به دست آمده نشان داد که در مجموع دانشجویان مورد مطالعه از روحیه و نیت کارآفرینی بالایی برخوردار بودند. هر چند نیت کارآفرینی در دانشجویان پسر بیشتر بود. همچنین نتایج نشان داد بین «جنسیت»، «وضعیت اشتغال دانشجویان»، «ریسک‌پذیری» و «موانع اقتصادی»، «میزان درآمد» و «میزان علاقه» با «نیت کارآفرینی» آن‌ها رابطه مثبت و معناداری دیده می‌شود.

همچنین احمدخانی، قلاوندی و مهاجران (۱۳۹۸) تحقیقی را با هدف شناسایی و رتبه‌بندی ابعاد مختلف موانع کارآفرینی دانشجویان از دیدگاه اعضای هیئت علمی دانشگاه زنجان انجام داده‌اند. یافته‌های ایشان حاکی از آن است که موانع فردی، موانع آموزشی، موانع مالی و موانع حمایتی مانند دولت و قوانین و نگرش‌های جامعه موانع اصلی کارآفرینی دانشجویان به شمار می‌روند.

شریفی، ایروانی و دانش‌ورعامری (۱۳۹۸) نیز گرایش به اشتغال را در میان زنان روستایی شهرستان نجف‌آباد مورد بررسی قرار داده‌اند. نتایج تحقیق آن‌ها نشان داد گرایش به اشتغال بیش از نیمی از زنان روستایی متوسط رو به بالا بود. آنها بین «میزان گرایش زنان روستایی به اشتغال» و «متغیرهای «وضعیت تأهل»، «عضویت در نهادهای روستا» و «دریافت وام» تفاوت معناداری مشاهده نکردند. نتایج تحقیق همچنین حاکی از آن بود که بین «گرایش زنان روستایی به اشتغال» و «متغیرهای «میزان مطالعه در روز» و «نظر همسر یا پدر نسبت به اشتغال زن» رابطه مثبت و معنی‌داری دیده شد. در حالی که با «میزان مردسالاری در خانواده» رابطه منفی معنی‌داری وجود داشت. محققین بین «میزان آزادی تحرک اجتماعی» و «گرایش زنان روستایی

به اشتغال» رابطه معنی‌داری مشاهده نمودند. افزون بر این زنان روستایی بیست سال و پایین‌تر و نیز زنان روستایی با سطح تحصیلات بالاتر گرایش بیشتری به اشتغال داشتند.

کبیری و موغلی (۱۳۹۷) در پژوهشی که با هدف مقایسه میزان مهارت‌های افزایش‌دهنده گرایش کارآفرینی در دانشگاه‌های شهر شیراز انجام داده‌اند دریافته‌اند که میزان که نه تنها گرایش کارآفرینی در دانشجویان دانشگاه‌های شیراز بسیار پایین است بلکه وضعیت دانشگاه‌ها در زمینه افزایش آن نیز بسیار ضعیف است.

فراهانی، صفری‌نژاد و فراهانی (۱۳۹۷) عوامل بازدارنده رفتاری و انسانی در اشتغال و کارآفرینی اکوسیستم ورزش ایران را مورد بررسی قرار دادند. بر اساس یافته‌های تحقیق؛ عواملی نظیر: «وابستگی مردم ایران به بدنه دولتی و بالا بودن روحیه مطالبه‌گری از دولت»، «عدم اعتماد منابع انسانی به بخش خصوصی»، «زیاده‌خواهی و منفعت‌طلبی بخش خصوصی»، «ناتوانی دولت در پیاده‌سازی اصل ۴۴ در واگذاری به بخش خصوصی»، «باور عمومی جامعه ایرانی به انجام امور به صورت فردی»، «مقاومت جامعه ورزش در ورود اشخاص غیرورزشی توانمند در حوزه‌های مدیریتی اقتصادی و مالی و درعین حال فاقد سابقه ورزشی»، «فرازوفوردهای مسائل امنیتی و امنیت سرمایه‌گذاری و تأثیر آن به گرایش به انجام امور به صورت کوتاه‌مدت و استقبال بالا از پروژه‌های زودبازده»، «تمایل دستیابی مدیران به سودهای کوتاه‌مدت» و «عدم وجود سیستم کنترلی منعطف و ارگانیک» از جمله عوامل بازدارنده اشتغال و کارآفرینی در اکوسیستم ورزش ایران به شمار می‌رفتند.

ذبیحی، شجاعی و حامی (۱۳۹۷) به بررسی رابطه بین سواد مهارتی، سواد دانشگاهی و موفقیت در کسب‌وکار ورزشی با نقش میانجی گرایش کارآفرینانه پرداختند. آنان با تجزیه و تحلیل داده‌های دریافتی از ۳۸۴ نفر از کارآفرینان حوزه ورزش (به عنوان جامعه نمونه) دریافته‌اند که بین سواد مهارتی، سواد دانشگاهی و موفقیت کسب‌وکار ورزشی با نقش میانجی نقش میانجی گرایش کارآفرینانه رابطه معناداری وجود دارد. بر اساس نتایج پژوهش اگرچه سواد دانشگاهی عامل مؤثری در موفقیت کسب‌وکار ورزشی است اما سواد مهارتی با توجه به میزان همبستگی قوی با

از کشور به مراتب غنی‌تر از داخل کشور است. در یکی از آخرین تحقیق‌های مرتبط، سیرا و همکارانش<sup>۱</sup> (۲۰۰۲) به بررسی تأثیر آموزش کارآفرینی بر قصد کارآفرینی در یکی از کشورهای حوزه بالکان پرداخته‌اند. یافته‌های این تحقیق بیان‌گر تأثیر «آموزش کارآفرینی» بر «تمایل کارآفرینانه» بود. محققان چنین نتیجه‌گیری نموده‌اند؛ افرادی که آموزش کارآفرینی رسمی بیشتری را دریافت نموده‌اند، قصد بیشتری برای شروع یک کسب‌وکار نشان دادند.

بوی، نگوین و تران<sup>۲</sup> (۲۰۲۰) نیز عوامل مؤثر بر قصد کارآفرینی فارغ‌التحصیلان مقطع کارشناسی دانشگاه ملی اقتصاد ویتنام را در تحقیق خود بررسی نموده‌اند. نتایج تحقیق نشان داد؛ عوامل «مطلوبیت درک شده»، «امکان‌پذیری درک شده» و «رهبری و توانایی غلبه بر ناملایمات» به ترتیب بیشترین تأثیر را بر قصد راه‌اندازی یک کسب و کار دارد.

تامی و پاردد<sup>۳</sup> (۲۰۲۰) در جستجوی مدل تمایل کارآفرینی دانش‌آموختگان آموزش عالی پژوهشی ترتیب دادند که نتایج آن نشان داد که «آگاهی کارآفرینی» تأثیر مثبتی بر «قصد کارآفرینی» دارد.

روی و اینگهوا<sup>۴</sup> (۲۰۱۷) در تحقیقی به دنبال پاسخ این پرسش بودند که آیا «هوشیاری کارآفرینی» و «خودکارآمدی»، «گرایش کارآفرینانه» دانشجویان رشته‌های ورزشی چینی را پیش‌بینی می‌کند؟ نتایج پژوهش آن‌ها نشان داد که «هوشیاری کارآفرینی» و «خودکارآمدی» هر دو پیش‌بینی کننده‌های «گرایش کارآفرینانه» شرکت‌کنندگان بودند و تفاوت‌های جمعیت شناختی بر «هوشیاری کارآفرینی» و «خودکارآمدی» و «گرایش کارآفرینانه» دانشجویان تأثیرگذار است.

رامونی<sup>۵</sup> (۲۰۱۶) نیز به بررسی عوامل تعیین‌کننده قصد کارآفرینی در بین فارغ‌التحصیلان دانشگاه «بایرو»<sup>۶</sup> نیجریه پرداخته است. او در این مطالعه اثرات مشترک «آموزش کارآفرینی» و دو ویژگی کارآفرینی (یعنی «نوآوری» و «ریسک‌پذیری») را بر «تمایل کارآفرینانه» در بین

موفقیت کسب‌وکار ورزشی، نقش تعیین‌کننده‌تری دارد. غیائی (۱۳۹۴) در تحقیق خود به بررسی رابطه سبک‌های حل مسئله و تمایل به کارآفرینی دانشجویان کشاورزی و منابع طبیعی دانشگاه زابل پرداخت. نتایج تحقیق نشان داد؛ بیشتر پاسخگویان مورد مطالعه از نظر میزان تمایل به کارآفرینی در سطح تقریباً مطلوبی قرار دارند. همچنین سبک‌های حل مسئله و تمایل به کارآفرینی دانشجویان رابطه معنی‌داری با هم دارند. تحلیل رگرسیون چند متغیره نیز نشان داد از میان سبک‌های مختلف حل مسئله، «خلاقیت»، «اعتماد»، «گرایش» و «درماندگی» می‌توانند ۳۳ درصد از تغییرات تمایل به کارآفرینی دانشجویان را تبیین کنند.

موسوی، علم‌بیگی و رضایی (۱۳۹۴) نیز نوبه خود تمایلات کارآفرینانه دانشجویان کشاورزی دانشگاه تهران را بررسی نمودند. ایشان دریافتند مهارت‌های بین فردی و مهارت‌های رهبری بیشتر سبب تمایل به کارآفرینی می‌شود. در حالی که داشتن مهارت‌های مدیریتی و تفکر سیستمی مربوط به گروهی با تمایل پایین‌تر به کارآفرینی است. مهارت‌های انتقادی نیز در این رابطه نقش معنی‌داری از خود نشان نداد.

امینی، جمشیدی و حیدری‌نژاد (۱۳۹۳) به اولویت‌بندی موانع کارآفرینی از نظر دانشجویان تربیت‌بدنی دانشگاه شهید چمران اهواز با استفاده از روش TOPSIS پرداختند. یافته‌های تحقیق حاکی از آن بود که بیشترین وزن از نظر دانشجویان به «موانع آموزشی» و سپس «فردی» اختصاص یافت. محققان «محتوای درسی دانشجویان در دوره تحصیلی» و «روش تدریس» را از مهم‌ترین موانع کارآفرینی برشمردند و نقش مؤثر «از دست دادن سرمایه اندک خود»، «نداشتن اعتماد به نفس» و «عدم احساس حمایت از دانشجویان کارآفرین» را نیز گزارش نمودند.

عوامل مؤثر بر گرایش کارآفرینانه دانش‌آموختگان آموزش عالی مورد علاقه محققین دیگر کشورها نیز بوده است به طوری که می‌توان گفت ادبیات تحقیق در خارج

1. Cera
2. Bui, Nguyen & Tran
3. Tomy & Pardede
4. Rui & Yinghua
5. Ramoni
6. Bayero

علوم جهان اسلام، پایگاه مجلات تخصصی علوم اسلامی و انسانی، مگ ایران، و سیویلیکا و پایگاه‌های علمی خارجی شامل: الزویر<sup>۳</sup>، امرالد<sup>۴</sup>، اشپرینگل<sup>۵</sup>، ساینس دایرکت<sup>۶</sup>، ریسرچ گیت<sup>۷</sup>، پروکوئست<sup>۸</sup>، جی استور<sup>۹</sup>، آکادمیا<sup>۱۰</sup> بودند. کلیدواژه‌های جستجوی مقالات فارسی عبارت‌اند از: «تمایل به کارآفرینی<sup>۱۱</sup>»، «قصد کارآفرینی<sup>۱۲</sup>»، «گرایش به کارآفرینی<sup>۱۳</sup>»، «فارغ‌التحصیلان دانشگاهی<sup>۱۴</sup>»، «دانش‌آموختگان آموزش عالی<sup>۱۵</sup>». کلیدواژه‌های جستجوی مقالات انگلیسی ترجمه است. برای جست‌وجوی کلیدواژه‌ها هیچ محدودیت زمانی در نظر گرفته نشد و همه تحقیق‌های منتشرشده به زبان فارسی و انگلیسی تا سال ۱۳۹۹ بررسی شده‌اند.

روش تحقیق مورد استفاده در بخش دوم این تحقیق، (مصاحبه تحقیق کیفی) بود. در این مرحله با بهره‌گیری از روش نمونه‌گیری نظری و تکنیک گلوله برفی تا رسیدن به اشباع نظری تعداد ۲۰ نفر از خبرگان مورد مصاحبه قرار گرفتند. خبرگان از سه حوزه دانشگاه، صنعت و دولت انتخاب شدند. اعضای هیئت علمی دانشکده اقتصاد و کارآفرینی دانشگاه رازی، مدرسان درس کارآفرینی دانشگاه علمی‌کاربردی، مدیر و مدرسان کارآفرینی پارک علم و فناوری جهاد دانشگاهی، مدیر مرکز رشد فناوری سلامت دانشگاه علوم پزشکی، کارآفرینان برتر و همچنین مدیران هسته‌های نوآوری مستقر در پارک علم و فناوری از جمله مصاحبه‌شوندگان بودند. در این بخش برای تحلیل داده‌ها از تحلیل کیفی یا تفسیری استفاده شده است. برای تفسیر ذهنی محتوایی مصاحبه‌ها و آشکار نمودن پیام‌های نهفته در متن آن‌ها از طریق فرایندهای طبقه‌بندی، کدبندی و تم سازی یا طراحی الگوهای شناخته‌شده استفاده و متن

فارغ‌التحصیلان ممتاز دانشگاه‌های بایرو و کانو و تفاوت این ابعاد بین پسران و دختران را مورد ارزیابی قرار داده است. وی چنین گزارش نموده است که ۲/۸ درصد از تغییرات موجود در «تمایل کارآفرینانه» با «آموزش کارآفرینی»، «نوآوری» و «ریسک‌پذیری» توضیح داده شده است. همچنین فارغ‌التحصیلان مرد نسبت به هم‌تایان زن خود علاقه بیشتری به کارآفرین بودن نشان دادند. لینان و رودریگز-کورادا<sup>۱۵</sup> رابطه ثبات تمایلات کارآفرینانه فارغ‌التحصیلان دانشگاهی با راه‌اندازی کسب و کارهای نوپا را ارزیابی نمودند. نتایج نشان داد که ثبات تمایلات کارآفرینانه فارغ‌التحصیلان دانشگاهی با راه‌اندازی کسب‌وکارهای نوپا در یک دوره سه‌ساله رابطه‌ای مثبت و معنادار دارد.

### ۳- روش تحقیق

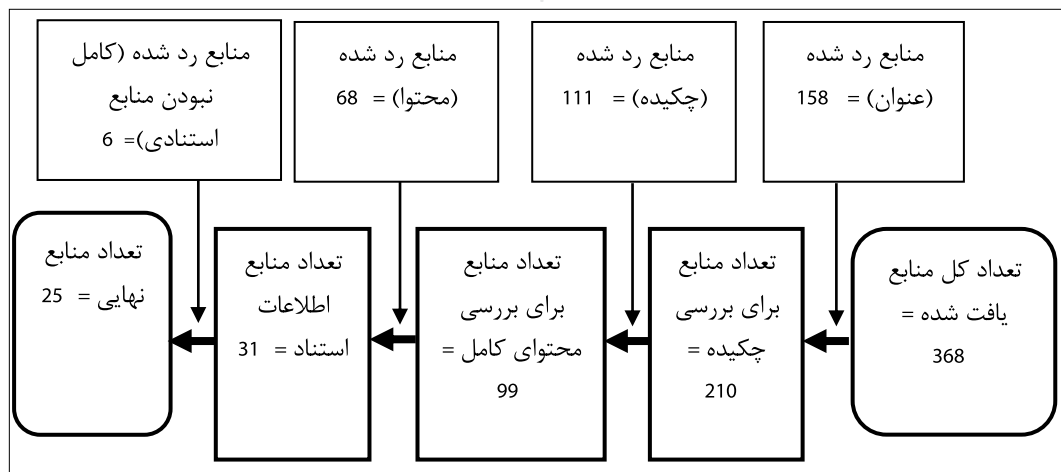
این تحقیق از نظر هدف در گروه تحقیقات توسعه‌ای قرار می‌گیرد و از نظر روش، از ترکیب دوروش فراترکیب و روش مصاحبه تحقیق کیفی استفاده شده است. بر این اساس در بخش اول تحقیق از روش کیفی تحلیلی - توصیفی فراترکیب بهره‌برداری شده است. روش نمونه‌گیری در این بخش از تحقیق، نمونه‌گیری نظری است. جامعه آماری آن همه تحقیق‌های منتشرشده در پایگاه‌های علمی معتبر داخلی و خارجی است که بر اساس کلیدواژه‌های تعریف شده به منظور دستیابی به نمونه‌ای که اشباع نظری را موجب شود، از طریق موتور جستجوی گوگل اسکولار<sup>۱۶</sup> و اینترنت پیمایش شدند. پایگاه‌های علمی داخلی شامل پژوهشگاه اطلاعات و مدارک علمی ایران (ایراندک)، پایگاه مرکز اطلاعات علمی جهاد دانشگاهی، پایگاه استنادی

1. Liñán & RodríguezCohard
2. Google Scholar
3. Elsevier
4. Emerald
5. Springer
6. Science Direct
7. Reasearch Gate
8. ProQuest
9. JStore
10. Academia
11. Entrepreneurial Desire
12. Entrepreneurial Intention
13. Tendency to Entrepreneurship
14. University/Academic Graduates
15. Higher Education Graduates

### گام دوم: بررسی نظام‌مند اصول تحقیق

در این تحقیق از موتورهای جست‌وجوی مختلف با قابلیت اختصاصی سازی جست‌وجو از قبیل گوگل، گوگل اسکولار، پایگاه‌های داده قابل استناد داخلی و خارجی استفاده شد. برای جست‌وجوی متون تحقیقی از کلیدواژه‌های مختلفی استفاده شد. بررسی کلیدواژه‌ها از طریق جست‌وجوی

مصاحبه به طور کامل و با شرح جزئیات پیاده‌سازی شد. در نمونه‌گیری هدفمند، قصد محقق انتخاب مواردی است که با توجه به هدف تحقیق اطلاعات زیادی داشته باشند. بر این اساس در تحقیق حاضر ضمن در نظر گرفتن ملاک عمومی تمایل به مصاحبه و برخورداری از زمان کافی، ملاک‌های: سابقه شغلی، سابقه تحصیلی، پژوهشی و اجرایی



شکل (۲): مراحل اجرای روش کسب و انتخاب منابع

عنوانی متن، چکیده، کلمات کلیدی و متن مقالات به صورت جداگانه در همه پایگاه‌های داده مذکور انجام شد. به منظور دستیابی به اشباع نظری و جلوگیری از هرگونه محدودیتی که به کاستی در پیشینه تحقیق منجر شود، در این تحقیق هیچ‌گونه محدودیت زمانی جست‌وجو لحاظ نشد و همه تحقیق‌های منتشرشده به زبان فارسی و انگلیسی تا سال ۱۳۹۹ بررسی شده‌اند.

### گام سوم: جست‌وجو و انتخاب تحقیق‌ها و تحقیقات مناسب

در گام سوم مقالات و تحقیق‌های متناسب با موضوع تحقیق انتخاب و تحقیقات نامرتب از مراحل کار حذف شدند. جهت تحقق این امر، مقالات یافته شده در چهار مرحله مورد بازبینی قرار گرفته و در هر مرحله تعدادی از آن‌ها رد شده‌اند. در این بخش از ابزار کسب جهت ارزیابی کیفی تحقیق‌ها استفاده شده است. مراحل اجرای روش کسب و انتخاب منابع در شکل شماره (۲) نمایش داده شده است.

در حوزه‌های اقتصاد، مدیریت، کارآفرینی، جامعه‌شناسی و روانشناسی به عنوان ملاک‌های تخصصی، مبنای انتخاب خبرگان قرار گرفت.

### ۴- یافته‌های تحقیق

در این بخش به ترتیب گام‌های انجام تحلیل فراترکیب تبیین شده است. تحلیل فراترکیب در ۷ گام انجام می‌پذیرد (شفیعی و زارع، ۱۳۹۷).

#### گام نخست: تنظیم سؤالات تحقیق

نخستین گام در تحلیل فراترکیب تدوین سؤالات تحقیق است. در این تحقیق جهت تدوین سؤالات ماهیت موضوع شناسایی و در ادامه با تعیین دامنه تحقیق در قالب جامعه مورد مطالعه، محدوده زمانی و چارچوب کلی نحوه سنجش مشخص شده است. سؤالات و پاسخ‌های ذکرشده در جدول ۱ ضمیمه قابل دسترسی است.

درصد	تکرار	عامل
۲۵٪	۷۰	آموزش
۱۸٪	۵۲	عوامل شخصیتی
۱۷٪	۴۸	سیاست‌گذاری و ثبات سیاسی
۱۵٪	۴۲	توسعه فردی
۵٪	۱۳	اقتصاد و ثبات اقتصادی
۴٪	۱۲	محیط، فناوری و پتانسیل‌های منطقه
۴٪	۱۱	حمایت اجتماعی
۴٪	۱۱	فرهنگ
۳٪	۹	اطلاعات کسب‌وکار
۲٪	۶	حمایت دانشگاهی
۲٪	۵	زیرساخت‌ها
۲٪	۵	ارتباط دانشگاه، صنعت و دولت
۱۰۰٪	۲۸۴	جمع

دانشگاهی، زیرساخت‌ها و ارتباط دانشگاه، صنعت و دولت مربوط است. خلاصه پیشینه پژوهی عوامل اثرگذار بر تمایلات کارآفرینانه دانش‌آموختگان بر اساس منابع در جدول ۲ ضمیمه مشاهده می‌شود. گروه‌ها (عوامل)، موضوعات و رمزهای شناسایی شده توسط تحلیل فراترکیب نیز در جدول ۳ ضمیمه آورده شده است.

کدگذاری اول				
کدگذاری دوم		بلی	خیر	جمع
	بلی	a	b	$m_1$
	خیر	c	d	$m_0$
	جمع	$n_0$	$n_1$	N

#### گام چهارم: استخراج اطلاعات از تحقیقات

پس از گزینش مقالات و منابع مرتبط و مناسب، نوبت استخراج کدها (عوامل) از متون است. این امر در دو مرحله انجام شده است. در مرحله نخست رمزهای کلی موجود در متن شناسایی شده و عنوان «مقوله» به آن‌ها داده شده است. برای این کار از نرم‌افزار اکسل استفاده شده است. متون و جملات معنایی شناسایی شده در پیشینه پژوهشی وارد نرم‌افزار و سپس کدگذاری باز شدند. در مرحله دوم کدهای به دست آمده به کمک نرم‌افزار واکاوی و بررسی شدند. در این مرحله علاوه بر سنجش فراوانی نسبی کدها، کدگذاری انتخابی و مفهوم‌سازی نیز انجام شده است. این کار برای آسان شدن فرایند استخراج مفاهیم و زمینه‌ها صورت گرفت. در این مرحله ۱۲ گروه استخراج شد که بیشترین فراوانی به ترتیب: عوامل شخصیتی، آموزش، توسعه فردی، سیاست‌گذاری و ثبات سیاسی، اقتصاد و ثبات اقتصادی، محیط، فناوری و پتانسیل‌های منطقه، حمایت اجتماعی، فرهنگ، اطلاعات کسب‌وکار، حمایت

کوهن استفاده شده است. بدین منظور از یک محقق دیگر که به روش تحلیل داده‌های کیفی تسلط خوبی داشت درخواست شد تا به‌عنوان همکار در پژوهش مشارکت و دو مقاله و دو مصاحبه را به‌صورت تصادفی کدگذاری کند.

در جدول بالا،  $a$  و  $d$  نمایانگر توافق و  $b$  و  $c$  بیانگر اختلاف نظر دو کدگذاری است. حال اگر  $P(e)$  را درصد توافق مشاهده‌شده و  $P(a)$  را درصد توافق مورد انتظار بدانیم، مقادیر آن‌ها از رابطه‌های زیر به دست می‌آیند:

$$P(a) = a + b \quad P(e) = \left(\frac{n_1}{N} \times \frac{m_1}{N}\right) + \left(\frac{n_0}{N} \times \frac{m_0}{N}\right)$$

و در نهایت مقدار ضریب کاپای کوهن از رابطه زیر محاسبه می‌شود:

$$\kappa = \frac{P(a) - P(e)}{1 - P(e)}$$

درصد توافق درون موضوعی که به‌عنوان شاخص پایایی تحلیل به کار می‌رود با استفاده از فرمول، ۷۷ درصد شد. با توجه به اینکه این میزان پایایی بیشتر از حداقل ۶۰

### گام پنجم: تجزیه، تحلیل و ترکیب یافته‌ها

در این مرحله مفاهیم و موضوعات شناسایی می‌شوند. برای شناسایی آن‌ها از دو اصل بنیادی «اصل تمایز معنایی» و «اصل تکمیل سؤالات پژوهش» استفاده شده است. بر اساس این دو اصل مفاهیم و در سطح بالاتری موضوعات تحقیق تعیین شدند. در این مرحله رمزهای استخراج‌شده در قالب ۴۰ مفهوم و مفاهیم شناسایی‌شده در سطح بالاتری در قالب ۱۲ موضوع طبقه‌بندی شدند. عامل‌های شناسایی‌شده توسط تحلیل فراترکیب، فراوان و درصد فراوانی آن‌ها در جدول شماره (۱) مشاهده می‌شود.

### گام ششم: بررسی کیفیت

برای سنجش پایایی روش‌های متفاوتی معرفی شده است که از آن جمله می‌توان توافق درصدی، روش هولستی، آلفای کربیندورف، کاپای کوهن و پای اسکات را نام برد (نئوندورف، ۲۰۱۷) که در این تحقیق در بخش کدگذاری‌ها از روش «توافق درون موضوعی» و محاسبه ضریب کاپای

جدول (۳): شاخص‌های اعتبار درونی تحقیق و چگونگی دستیابی به آن در این تحقیق

راهبرد	شرح	شکل اجرا در این تحقیق
کثرت‌گرایی	چند محقق، چند منبع داده یا چند روش برای تأیید داده‌های در حال ظهور مورد استفاده قرار می‌گیرند	علاوه بر مصاحبه‌ها برای انجام این تحقیق جستجو جامعی در پایگاه‌های اطلاعاتی علمی معتبر داخلی و خارجی (از قبیل ساینس دایرکت، امرالد، جی. استور، پروکوئست، سید، مگ ایران، سیویلیکا و اس. آی. دی) صورت پذیرفت برای این مهم همه تحقیق‌های منتشرشده تا سال ۱۳۹۹ بررسی شدند.
درگیر بودن با موضوع	مشاهده‌ی بلندمدت در بازدید از محل تحقیق یا مشاهدات تکراری پدید: داده‌ها در طول دوره‌ای از زمان جمع‌آوری شوند، با این هدف که اعتبار یافته‌ها را افزایش دهند	داده‌های این تحقیق در طول یک دامنه زمانی حدود ۴ ماهه گردآوری شده است.
بررسی زوجی (بررسی همکار)	از همکاران خواسته شود که بر یافته‌هایی که در حال ظهور هستند، یادداشت بگذارند.	به‌جز نویسندگان که از حوزه مدیریت بودند از یک نفر از اساتید اقتصاد درخواست شد که یافته‌ها را مورد بازبینی قرار دهند.
تأیید اعضاء	قابل پذیرش بودن نتایج نزد اعضاء	یافته‌های تحقیق برای ۴ نفر از مشارکت‌کنندگان تشریح و توضیحات لازم ارائه گردید.

1. Neuendorf
2. Gwet



درصد است قابلیت اعتماد کدگذاری‌ها مورد تأیید است و می‌توان ادعا کرد که میزان پایایی تحلیل مصاحبه‌های کنونی مناسب است.

از سویی اعتبار درونی در تحقیق کیفی با این پرسش مربوط است که آیا روش‌ها، رویکردها و فنون با یکدیگر مربوط هستند و آنچه را محقق به دنبال سنجش آن است، به درستی می‌سنجند؟ برای این مهم، ترکیبی از روش‌های زیر استفاده شده است. شاخص‌های اعتبار درونی تحقیق و چگونگی دستیابی به آن در این پژوهش در جدول شماره (۳) قابل مشاهده است.

### گام هفتم: ارائه یافته‌ها و الگوی نهایی تحقیق

در آخرین مرحله از تحلیل فراترکیب نتایج تحلیل و الگوی استخراج شده ارائه می‌شود. همان طور که در گام پنجم نیز اشاره شد، در این تحقیق ۴۰ مفهوم و در سطح بالاتری در قالب ۱۲ موضوع به عنوان عوامل اثرگذار بر گرایش فارغ‌التحصیلان دانشگاهی به فعالیت‌های کارآفرینانه بر اساس نتایج تحلیل شناسایی و آزمون کیفیت آن‌ها تأیید شد. بر اساس روش فراترکیب ۱۲ عامل «عوامل شخصیتی»، «آموزش»، «توسعه فردی»، «سیاست‌گذاری و ثبات سیاسی»، «اقتصاد و ثبات اقتصادی»، «محیط»، «فناوری و پتانسیل‌های منطقه»، «حمایت اجتماعی»، «فرهنگ»، «اطلاعات کسب‌وکار»، «حمایت دانشگاهی»، «زیرساخت‌ها» و «ارتباط دانشگاه، صنعت و دولت» بر گرایش فارغ‌التحصیلان دانشگاهی به فعالیت‌های کارآفرینانه اثرگذارند.

### ۵- نتیجه‌گیری

آنچه در مصاحبه‌ها و بررسی رویکردهای حوزه اشتغال فارغ‌التحصیلان با آن مواجه هستیم آن است که در عمل بسیاری از سیاست‌گذاران این حوزه، ایجاد و توسعه اشتغال را به میزان سرمایه و سرمایه‌گذاری و حمایت از آن وابسته دانسته و بنابراین دخالت دولت در اعطای تسهیلات برای ایجاد اشتغال را ضروری می‌دانند این نگرش ریشه در نوع نگاه کلاسیک‌ها دارد اما یافته‌های این مطالعه منتج به شناسایی ۴۰ مضمون و ۱۲ موضوع شد که بر گرایش فارغ‌التحصیلان دانشگاهی

به فعالیت‌های کارآفرینانه تأثیرگذارند که در طیفی از تأثیرگذاری مستقل یا درهم‌تنیده ایفای نقش می‌کنند. هرچند که بیشترین تکرار مربوط عوامل سطح فرد مانند؛ عوامل شخصیتی (مانند آموزش، توسعه فردی، ریسک‌پذیری و...) است) در عین حال، متغیرهای محیطی مانند: سیاست‌گذاری و ثبات سیاسی؛ متغیرهای محیط اقتصادی؛ پتانسیل‌های منطقه، حمایت اجتماعی؛ فرهنگ و ارتباط دانشگاه، صنعت و دولت بر گرایش فارغ‌التحصیلان دانشگاهی به فعالیت‌های کارآفرینانه اثرگذارند. این یافته‌های نشان داد که گرایش فارغ‌التحصیلان دانشگاهی به فعالیت‌های کارآفرینانه معلول عوامل متعدد اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و سیاسی و همچنین عوامل شخصی است. بخشی از این گرایش معلول متغیرهای بنیادی در اقتصاد و ساختار کل اقتصادی است و بخشی متأثر از سرمایه‌گذاری؛ لکن تأثیر جدی سایر عوامل را نبایست از نظر دور داشت.

**آموزش:** مفهوم آموزش شامل موضوعاتی نظیر «آموزش پیش از دانشگاه»، «آموزش دانشگاهی»، «کاربردی بودن آموزش دانشگاهی»، «کیفیت آموزش دانشگاهی»، «آموزش تخصصی» و «آموزش کارآفرینی و مهارت‌های کسب‌وکار» می‌شود. تعداد قابل توجهی از نظریات در خصوص آموزش حاکی از این امر است که گرایش و تمایلات کارآفرینانه افراد ریشه در آموزش‌های پیش از ورود به دانشگاه دارد. یادگیری امری است که با تولد انسان آغاز و تا آخرین لحظات زندگی به صورت مستمر و پیوسته در جریان است. اگر آموزش را تلاش برای تغییر رفتار فرد تعریف کنیم، آموزش‌های کارآفرینی از خانواده به صورت غیررسمی آغاز شده و در مراکز علمی مانند مدارس و دانشگاه‌ها و مراکز فنی حرفه‌ای، به صورت رسمی ادامه دارند. نهادهای فرهنگی متعددی از جمله تولیدکنندگان محصولات هنری و فرهنگی، رسانه‌های گروهی، روحانیت و... نیز در این مدت به صورت غیررسمی و نامحسوس بر روند شکل‌گیری شخصیت افراد اثرگذارند. لذا هرگونه تلاش برای ارتقای سطح تمایلات و نگرش افراد به کارآفرینی بدون در نظر گرفتن زنجیره آموزش پیش از دانشگاه امری ابتر و ناتمام خواهد بود. هرچند می‌توان

آموزش‌های تخصصی به‌گونه‌ای باشند که فرد صاحب دانش، فناوری و مهارت‌های تخصصی به‌روز شده تا با افزایش قابلیت اشتغال وی، تمایلات کارآفرینانه او نیز افزایش یابد. «آموزش تخصصی» نیز به سهم خود رابطه مثبتی با افزایش تمایلات کارآفرینانه افراد دارد. کبیری و موغلی (۱۳۹۷)، ذبیحی و همکاران (۱۳۹۷)، سیرا و همکارانش (۲۰۲۰) و رامونی (۲۰۱۶) نیز در پژوهش خود به همین امر اشاره کرده‌اند. آموزش کارآفرینی و مهارت‌های کسب‌وکار از بخش‌های اساسی آموزش است و تأثیر مثبت و مستقیمی بر تمایلات کارآفرینانه دفاغ التحصیلان آموزش عالی دارد. ذبیحی، شجاعی و حامی (۱۳۹۷)، سیرا و همکارانش (۲۰۲۰) و رامونی (۲۰۱۶) نیز به این موضوع اشاره نموده‌اند.

**عوامل شخصیتی:** «عوامل شخصیتی» به سهم خود بر گرایش فارغ‌التحصیلان دانشگاهی به فعالیت‌های کارآفرینانه مؤثرند. از جمله عوامل شخصیتی شناسایی‌شده می‌توان به: توفیق طلبی، خلاقیت، ریسک‌پذیری، مرکز کنترل درونی، استقلال طلبی، خودکارآمدی و اعتماد به نفس، خودآگاهی، داشتن عزم و اراده، رقابت‌پذیری، مسئولیت‌پذیری، هوشیاری کارآفرینانه، اشتیاق به یادگیری مستمر، باورهای مذهبی، عمل‌گرایی، نگرش به پول و نگرش به خطر اشاره نمود. تأثیر مستقیم «عوامل شخصیتی» بر گرایش فارغ‌التحصیلان دانشگاهی با نظریات صفایی، ایزدی و موسیوند (۱۳۹۹)، شریفی و همکاران (۱۳۹۸)، فراهانی و همکاران (۱۳۹۷)، قیاسی (۱۳۹۴)، بوی و همکاران (۲۰۲۰)، تامی و پاررد (۲۰۲۰)، بل (۲۰۱۹)، روی و اینگهوا (۲۰۱۷)، رامونی (۲۰۱۶)، لینان و رودریگز-کوراد (۲۰۱۵) همسو است.

**توسعه فردی:** دیگر عامل مرتبط با گرایش فارغ‌التحصیلان دانشگاهی به فعالیت‌های کارآفرینانه «توسعه فردی» است. توسعه فردی به معنی شناسایی و تشخیص قوت‌ها و ضعف‌های عملکرد افراد برای بهبود ضعف‌ها و توسعه قوت‌های ایشان است. در طرح توسعه فردی، مجموعه‌ای از اقدامات پیش‌بینی می‌شود و با تدوین این طرح نیازهای یادگیری، نتایج مورد انتظار (اهداف یادگیری) و اقدامات لازم جهت نیل به اهداف یادگیری تعیین می‌شوند (آرمسترانگ، ۲۰۰۹).

خانواده را نیز از عوامل محیط در نظر گرفت اما با توجه به نقش ویژه خانواده و اثرگذاری مداوم و همیشگی و نیز اثرپذیری آن از محیط به‌عنوان عاملی مجزا تعیین شده و در شکل‌گیری نگرش و تمایلات کارآفرینانه افراد نقش مؤثر دارند. آموزش دانشگاهی از طریق افزایش سواد دانشگاهی و در نتیجه افزایش قابلیت اشتغال فرد تأثیر مثبتی بر افزایش تمایلات کارآفرینانه افراد دارد. رابطه مستقیم «آموزش دانشگاهی» و «گرایش دانش‌آموختگان دانشگاه به کارآفرینی» با یافته‌های هوانگ (۲۰۱۳)، احمدخانی و همکاران (۱۳۹۸)، کبیری و موغلی (۱۳۹۷)، شریفی و همکاران (۱۳۹۸)، ذبیحی و همکاران (۱۳۹۷) و امینی و همکاران (۱۳۹۳) مطابقت دارد. کاربردی بودن آموزش دانشگاهی به معنی برقراری ارتباط معنی‌دار میان مطالب ارائه‌شده در طول دوران تحصیل با نیازهای عملی بازار کار است. دانشجو در طول دوران تحصیل به‌موازات مطالعه سرفصل دروس نظری و گذراندن دروس عملی و کارگاهی، در معرض یک برنامه آموزشی غیررسمی قرار می‌گیرد. این برنامه آموزشی غیررسمی مجموعه‌ای است از گفتمان و ادبیات مدرسان دانشگاه، کارگاه و پروژه‌های عملی، رویدادهای دانشگاهی شامل همایش‌ها، میزگردهای، تریبون آزاد و امثال آن. ارتباط مستقیم «کاربردی بودن آموزش دانشگاهی» و «گرایش دانش‌آموختگان دانشگاه به کارآفرینی» نیز همسو با یافته‌های ملک‌پور و محمدی (۱۳۹۲) و امیدی و همکاران (۱۳۹۵) است. ارتقای کیفیت آموزش دانشگاهی موجب تعمیق دانش فرد در زمینه تخصصی شده و به‌نوبه خود بر قابلیت اشتغال و در نتیجه تمایلات کارآفرینانه وی تأثیر مثبت دارد. کیفیت آموزشی از طریق جذب مدرسان مجرب و کارآفرین، اجرای کیفی درس کارآموزی، غنی‌سازی سرفصل دروس، تجهیز آزمایشگاه و کارگاه و افزایش ساعات کار عملی، آزمایشگاهی و کارگاهی، تعطیلی حداقلی کلاس‌های درسی امکان‌پذیر است. «کیفیت آموزش دانشگاهی» موجب تقویت و «گرایش دانش‌آموختگان دانشگاه به کارآفرینی» می‌گردد که این امر نیز با یافته‌های کبیری و موغلی (۱۳۹۷)، ذبیحی و همکاران (۱۳۹۷)، سیرا و همکارانش (۲۰۲۰) و رامونی (۲۰۱۶) همسو است.

۲۴۹). برطرف نمودن نقاط ضعف و افزایش و ارتقای توانمندی‌های موردنیاز جهت انجام فعالیت‌های کارآفرینانه توسط شخص کارآفرین از الزامات موفقیت در کارآفرینی است. این امر به واسطه خودآگاهی فرد نسبت به توانمندی‌ها و ضعف‌هایش و همچنین نیازهای لازم جهت راه‌اندازی کسب‌وکار با توجه به فاکتورهای محیطی است. افراد در جهت توسعه فردی باید در زمینه‌های مهارت‌های مدیریتی، مهارت ارتباطی، مهارت‌های مالی، قابلیت اشتغال، موفقیت تحصیلی، اخلاق حرفه‌ای و اعتمادپذیری، سواد رایانه، مهارت‌های استدلالی، تجربه کاری، مدیریت زمان، مهارت نوشتن رزومه و ارائه مطلب، مهارت‌های بازاریابی، مهارت‌های پژوهشی، تهیه منابع مالی راه‌اندازی اولیه کسب‌وکار، تهیه الزامات قانونی راه‌اندازی اولیه کسب‌وکار، ادراک محیط، ارتباط با کسب‌وکارهای موفق و شبکه‌سازی نسبت به تقویت و توسعه مهارت‌های فردی اقدام نمایند تا امکان موفقیت آن‌ها در اقدامات کارآفرینانه افزایش یابد. تأثیر مثبت توسعه فردی بر گرایش کارآفرینانه دانش‌آموختگان در تحقیق‌های احمدخانی و همکاران (۱۳۹۸)، امینی و همکاران (۱۳۹۳)، سیرا و همکارانش (۲۰۲۰) و بوی و همکاران (۲۰۲۰) نیز گزارش شده است.

**سیاست‌گذاری و ثبات سیاسی:** سیاست‌گذاری مفهومی عمومی است که شامل سیاست‌گذاری در حوزه‌های مالی و اقتصادی، بازار، آموزشی، حمایت‌های دولتی از کسب‌وکارها و قانون‌گذاری در کل امور اجرایی کشور است. در نظام جمهوری اسلامی، قانون‌گذاری بر عهده قوه مقننه و سیاست‌گذاری در حدود وظایف اجرایی مملکت بر عهده قوه مجریه است (اصول ۵۷ و ۵۸ ق.ا.ج.ا.). اعمال قوه مقننه از طریق مجلس شورای اسلامی (اصل ۵۷ ق.ا.ج.ا.) و اعمال قوه مجریه جز در اموری که در این قانون مستقیماً بر عهده رهبری گذارده شده، از طریق رئیس‌جمهور و وزرا است (اصل ۶۰ ق.ا.ج.ا.). بنابراین قوه مجریه (دولت) می‌تواند از طریق تقدیم لوایح به قوه مقننه یا تدوین آئین‌نامه‌های مختلف و قوه مقننه (مجلس شورای اسلامی) می‌تواند از طریق تصویب قانون در قالب طرح‌های پیشنهادی

نمایندگان و بررسی و تصویب لوایح پیشنهادی دولت در همه ارکان اداری و اجرایی از جمله کسب‌وکارها سیاست‌گذاری نمایند. سرمایه‌گذاری مستقیم دولت در کسب‌وکار (ملک‌پور و محمدی، ۱۳۹۲)، سرمایه‌گذاری دولتی در مناطق محروم، حمایت از سرمایه‌گذاری بخش خصوصی و اصلاح قوانین بیمه و مالیات از جمله موارد نقش تسهیل‌کننده دولت و مجلس در گرایش فارغ‌التحصیلان دانشگاهی به فعالیت‌های کارآفرینانه از طریق سیاست‌گذاری در حوزه اقتصادی و مالی است. سیاست‌گذاری دولت و مجلس در حوزه آموزش هم به‌طور مستقیم و هم به‌طور غیرمستقیم بر گرایش فارغ‌التحصیلان دانشگاهی به فعالیت‌های کارآفرینانه مؤثر است. ملک‌پور و محمدی (۱۳۹۲)، نادری و همکاران (۱۳۹۴) و فراهانی و همکاران (۱۳۹۷) نیز در پژوهش‌های خود بدین امر اذعان داشته‌اند. تأثیر مستقیم سیاست‌گذاری این دو نهاد در حوزه آموزش در قالب سیاست‌گذاری آموزشی در مرحله پیش از ورود دانشجو به دانشگاه از جمله آموزش و پرورش، سازمان فنی و حرفه‌ای و سایر نهادهای ذی‌ربط (رجوع کنید به قسمت مربوط به آموزش) و نیز سیاست‌گذاری در آموزش عالی امکان‌پذیر است. سیاست‌گذاری در حوزه آموزش عالی به مدد بهبود زیرساخت‌ها، پذیرش دانشجو بر اساس نیاز آینده بازار کار و توجه به نیاز بازار کار در آموزش تحقق می‌یابد. سیاست‌گذاری دولت و مجلس به‌طور غیرمستقیم نیز بر گرایش فارغ‌التحصیلان دانشگاهی به فعالیت‌های کارآفرینانه مؤثر است. سیاست‌گذاری در حوزه فرهنگ نیز بر عهده دولت و مجلس است و این دو نهاد می‌توانند با اتخاذ سیاست‌های مناسب آموزش موجب تغییر در فرهنگ و به تبع آن ارتقای میزان گرایش فارغ‌التحصیلان دانشگاهی به فعالیت‌های کارآفرینانه شوند. حمایت‌های دولتی نقش حائز اهمیتی در ارتقای میزان گرایش فارغ‌التحصیلان دانشگاهی به فعالیت‌های کارآفرینانه دارد. حمایت دولت از کسب‌وکارهای نوپا، مشاوره کارآفرینی و شغلی، ایجاد و فعال‌سازی نهادهای حمایتی، افزایش بودجه‌های دولتی راه‌اندازی کسب‌وکار از جنبه‌های حمایت دولتی است که انجام بهینه آن‌ها

فناوری و پتانسیل‌های منطقه علاوه بر تأثیرات متقابلی که بر یکدیگر می‌گذارند، بر گرایش فارغ‌التحصیلان دانشگاهی به فعالیت‌های کارآفرینانه اثرگذارند. این موضوع را انصاری و فکور (۱۳۹۲) و مردانشاهی (۱۳۹۶) نیز گزارش داده است. متلاطم با پویا بودن محیط، موانع محیطی، نیروی انسانی و هزینه راه‌اندازی کسب‌وکار از عواملی هستند که گرایش فارغ‌التحصیلان دانشگاهی به فعالیت‌های کارآفرینانه را دستخوش تغییر می‌نمایند. البته نباید از نقش مهم فناوری و تکنولوژی قابل‌دسترس در محیط و پتانسیل‌های منطقه و کیفیت و قیمت مواد اولیه در گرایش فارغ‌التحصیلان دانشگاهی به فعالیت‌های کارآفرینانه غافل ماند.

**حمایت اجتماعی:** حمایت اجتماعی نقش پراهمیتی در گرایش فارغ‌التحصیلان دانشگاهی به فعالیت‌های کارآفرینانه دارد که در پژوهش آقاپور، موحد و علم‌بیگی (۱۳۹۳) و مردانشاهی (۱۳۹۶) نیز مشاهده شده است. حمایت اجتماعی از کارآفرینان موجب کاهش ترس از تحقیرهای اجتماعی در صورت شکست و ناکامی کارآفرینان می‌گردد. خانواده به عنوان کوچک‌ترین نهاد اجتماعی و اولین نهادی که فرد با آن در ارتباط است در این مقوله حائز اهمیت ویژه‌ای بود و حمایت خانواده نیز در افزایش گرایش فارغ‌التحصیلان دانشگاهی بسیار حیاتی است. علاوه بر این تأمین منابع مالی موردنیاز جهت راه‌اندازی کسب‌وکار در صورت برخوردار شدن از حمایت خانواده برای فرد کارآفرینی تسهیل می‌گردد. معرفی الگوهای نقش تأثیر به‌سزایی بر ارتقای میزان گرایش دانش‌آموختگان دانشگاه‌ها دارد و این امر به کمک فعالیت‌های تبلیغی و ترویجی توسط رسانه‌های عمومی به‌ویژه صداوسیما امکان‌پذیر است.

### فرهنگ

تأثیر فرهنگ نیز در گرایش فارغ‌التحصیلان دانشگاهی به فعالیت‌های کارآفرینانه قابل‌توجه است. یکی از مصاحبه‌شوندگان معتقد است بخشی از انگیزه لازم برای آغاز فعالیت‌های کارآفرینانه را باید در به فرهنگ خانواده‌ها جستجو نمود و فضای فرهنگی و اجتماعی محل رشد و تحصیل دانشجو پیش از ورود به دانشگاه

موجب کاهش ترس از شکست در علاقه‌مندان به آغاز فعالیت‌های کارآفرینانه خواهد شد. نادری و همکاران (۱۳۹۴) و امیدی و همکاران (۱۳۹۵) نیز همین موضوع را گزارش نموده‌اند.

**اقتصاد و ثبات اقتصادی:** ثبات اقتصادی و امنیت سرمایه‌گذاری تأثیر مستقیمی بر گرایش فارغ‌التحصیلان دانشگاهی به فعالیت‌های کارآفرینانه می‌گذارد. فرازوفرودهای امنیتی موجب تزلزل اقتصادی و کاهش امنیت سرمایه‌گذاری و در نتیجه تمایل به انجام امور به صورت کوتاه‌مدت و استقبال از پروژه‌های زودبازده می‌شود که این امر منجر به کاهش گرایش فارغ‌التحصیلان دانشگاهی به فعالیت‌های کارآفرینانه خواهد شد. تورم متلاطم، تغییرات لحظه‌ای ارزش ریال و اتخاذ سیاست‌های خارجی متغیر، ثبات اقتصادی را برهم زده و مانعی برای اشتغال و کارآفرینی است. این موضوع با یافته‌های فراهانی و همکاران (۱۳۹۷) مطابقت دارد. فعالیت مناسب نهادهای مالی در اعطای تسهیلات مالی راه‌اندازی کسب‌وکار از طریق تأمین منابع مالی موردنیاز جهت آغاز یا تداوم فعالیت کارآفرینانه تأثیر مستقیمی بر گرایش فارغ‌التحصیلان دانشگاهی به فعالیت‌های کارآفرینانه می‌گذارد. علاوه بر این حمایت نهادهای مالی موجب کاهش عامل ترس از شکست در بین کارآفرینان خواهد شد که این امر به‌طور غیرمستقیم بر گرایش فارغ‌التحصیلان دانشگاهی به فعالیت‌های کارآفرینانه تأثیر مثبت می‌گذارد. از سوی دیگر تأمین منابع مالی و سرمایه موردنیاز جهت راه‌اندازی کسب‌وکار به وضعیت مالی فرد وابسته است که این امر نیز متکی به معیشت خانوار است. علاوه بر این معیشت خانوار به‌طور مستقیم با میزان سرمایه‌گذاری خانواده در مقوله آموزش و توسعه فردی ارتباط دارد که این دو عامل به‌نوبه خود بر گرایش فارغ‌التحصیلان دانشگاهی به فعالیت‌های کارآفرینانه اثرگذارند. تأثیر مثبت و مستقیم اقتصاد و ثبات اقتصادی بر فعالیت‌های کارآفرینانه دانش‌آموختگان آموزش عالی با یافته‌های نادری و همکاران (۱۳۹۴)، و امیدی و همکاران (۱۳۹۵) مطابقت دارد.

**محیط، فناوری و پتانسیل‌های منطقه:** محیط،

بسیار اهمیت دارد. محاصبه شونده دیگر بر این باور است که فرهنگ کار در برخی استان‌ها که از پایتخت دورند، نسبت به متوسط کشوری و به‌ویژه در مقایسه با استان‌هایی که به پایتخت نزدیک‌ترند، پایین‌تر است ولی از طریق اجرای آموزش‌های بلندمدت، مستمر و باکیفیت و برگزاری رویدادهای کارآفرینی نظیر رویدادهای شتاب، استارت‌آپ و یکند و نظایر آن می‌توان فرهنگ کار را در این مناطق اصلاح نمود. یکی دیگر از مصاحبه‌شوندگان به گرایش بی‌رویه دانش‌آموزان به ادامه تحصیل در رشته پزشکی به دلیل مسائل فرهنگی و معیشتی اشاره می‌کند و معتقد است سیستم فرهنگی ضد تولید حاکم بر جامعه از عوامل بازدارنده دانشجویان در تمایلات کارآفرینانه است. توصیه‌های قدیمی مبنی بر قناعت‌پیشگی و پرهیز از مال دنیا و مفاهیمی نظیر ضد ارزش بودن درآمدزایی و پول، تمسخر افراد سخت‌کوش و پرکار و نظایر آن در واقع حمایت اجتماعی را از کارآفرینان سلب کرده و از موانع ورود آن‌ها به شمار می‌آید.

**اطلاعات کسب‌وکار:** داشتن اطلاعات درباره راه‌اندازی کسب‌وکار بر موفقیت اقدامات کارآفرینانه و در نتیجه گرایش فارغ‌التحصیلان دانشگاهی به آغاز فعالیت کارآفرینانه تأثیر مثبتی دارد و اطلاع‌رسانی دولت و نهادهای حمایتی در حوزه کسب‌وکار در این زمینه بسیار اثربخش خواهد بود. این نتیجه‌ای است همسو با گزارش نادری و همکاران (۱۳۹۴) و امید، محمدی پور و امید (۱۳۹۵) و همچنین تامی و پاررد (۲۰۲۰). ناشناخته بودن رقبای، ترس از عدم تقاضای بازار و عدم آگاهی نسبت به تمایل بازار به مصرف کالای خارجی و خطرات بیش از انتظار راه‌اندازی کسب‌وکار نیز موجب کاهش گرایش فارغ‌التحصیلان دانشگاهی به فعالیت‌های کارآفرینانه می‌گردد.

**حمایت دانشگاهی:** حمایت دانشگاهی از ایده‌های دانشجویی به اشکال مختلف از جمله ایجاد مراکز رشد و نوآوری و حمایت از پژوهش بر گرایش فارغ‌التحصیلان دانشگاهی به کارآفرینی تأثیر مثبتی دارد. این امر در پژوهش امینی و همکاران (۱۳۹۳) نیز گزارش شده است.

**زیرساخت‌ها:** ارتقا و تقویت زیرساخت‌های لازم جهت راه‌اندازی کسب‌وکار تأثیر مثبتی بر گرایش فارغ‌التحصیلان دانشگاهی به آغاز فعالیت کارآفرینانه دارد. از جمله زیرساخت‌های لازم جهت راه‌اندازی کسب‌وکار می‌توان به شبکه حمل‌ونقل جاده‌ای، ریلی، هوایی و دریایی، شبکه ارتباطی تلفن، موبایل و اینترنت و نظایر آن اشاره نمود. ارتقا و بهسازی زیرساخت‌ها موجب ارتقای شبکه توزیع شده که به‌نوبه خود موجبات گرایش بیشتر فارغ‌التحصیلان دانشگاهی به اقدامات کارآفرینانه را در پی خواهد داشت. این یافته منطبق با نتایج تحقیقات نادری و همکاران (۱۳۹۴) و تامی و پاررد (۲۰۲۰)، روی و اینگهوا (۲۰۱۷)، رامونی (۲۰۱۶) است.

**ارتباط دانشگاه، صنعت و دولت:** ارتباط دانشگاه و صنعت و ارتباط دانشگاه و دولت در بهبود سیاست‌گذاری دولتی و ایجاد فضای تعامل میان دانشگاه و صنعت و در نتیجه ارتقای گرایش بیشتر فارغ‌التحصیلان دانشگاهی به اقدامات کارآفرینانه بسیار اهمیت دارد. این موضوعی است که امیدی و همکاران (۱۳۹۵) نیز بدان اذعان داشته‌اند.

### پیشنهادها

با توجه به تأثیر کیفیت آموزش دانشگاهی بر تمایلات کارآفرینانه دانش‌آموختگان، پیشنهاد می‌شود سیاست‌گذاران حوزه آموزش عالی با بازنگری سرفصل دروس در بازه‌های زمانی مشخص، تعریف هدفمند و برنامه‌ریزی‌شده رویدادهای دانشگاهی، ارزیابی عملی دانشجویان در کنار ارزیابی نظری، افزایش آموزش‌های ضمن خدمت برای مدرسان نسبت به کاربردی‌تر نمودن آموزش دانشگاهی اقدام نمایند. بر اساس قوانین موجود متولی ارائه آموزش‌های تخصصی که در دسته آموزش‌های غیررسمی قرار می‌گیرند، سازمان آموزش فنی و حرفه‌ای کشور است (اساسنامه سازمان آموزش فنی و حرفه‌ای کشور). لذا پیشنهاد می‌شود دانشگاه‌ها با هماهنگی بیشتر با متولی این حوزه، در زمینه معرفی دانشجویان و فارغ‌التحصیلان جهت

نمایند. با توجه به نقش سیاست‌گذاری در تمایلات کارآفرینانه دانش‌آموختگان، پیشنهاد می‌شود دولت و مجلس با اجرای کامل اصل ۴۴ قانون اساسی، افزایش شفافیت قوانین راه‌اندازی کسب‌وکار، حذف انحصار از بازار، حذف موانع راه‌اندازی کسب‌وکار، حمایت از مالکیت معنوی، عدم دخالت مستقیم دولت در بازار، اتخاذ سیاست‌های تشویقی جهت جذب و نگهداری نیروی کار در مناطق محروم و اصلاح سیاست‌های گمرکی نقش مناسبی در راستای ارتقای میزان گرایش فارغ‌التحصیلان دانشگاهی به فعالیت‌های کارآفرینانه ایفا نمایند.

آموزش، تأمین، تربیت و آموزش مربی، ارتقای سطح علمی دوره‌های آموزشی و تأمین فضای آموزشی و کارگاهی با سازمان آموزش فنی‌وحرفه‌ای همکاری نمایند. نظر به ارتباط آموزش کارآفرینی و مهارت‌های کسب‌وکار و تمایلات کارآفرینانه دانش‌آموختگان، پیشنهاد می‌شود دانشگاه‌ها با اتخاذ رویکرد مهارتی و کارآفرینی، نسبت به ارائه آموزش‌های کارآفرینی در جهت ارتقای دانش دانشجویان و فارغ‌التحصیلان از مفاهیم کارآفرینی از جمله کارگروهی، تیم‌سازی، آموزش عملی راه‌اندازی کسب‌وکار و آموزش مهارت‌های اشتغال در قالب برنامه‌های متنوع کارآفرینی اقدام

## منابع

- آقاپور، شهلا؛ موحد محمدی، سیدحمید؛ علم‌بیگی، امیر. (۱۳۹۳). نقش مهارت‌های کلیدی در شکل‌گیری قابلیت اشتغال دانشجویان. فصلنامه پژوهش و برنامه‌ریزی در آموزش عالی. ۲۰(۱): ۴۱-۵۶.
- احمدخانی، ایرج؛ قلاوندی، حسن و مهاجران، بهناز. (۱۳۹۸). مقاله پژوهشی: شناسایی و رتبه‌بندی موانع کارآفرینی دانشجویان در نظام آموزش عالی. مطالعات بین‌رشته‌ای دانش راهبردی، ۹(۳۷)، ۳۳-۳۵.
- امیدی، نبی؛ محمدی‌پور، رحمت‌الله و امیدی، محمدرضا. (۱۳۹۵). شناسایی موانع توسعه کارآفرینی در میان دانش‌آموختگان رشته‌های کشاورزی (مطالعه موردی: فارغ‌التحصیلان دانشگاه‌های ایلام). فصلنامه علمی فرهنگ ایلام، ۱۷(۵۲۵۳)، ۴۰-۵۰.
- امینی، مرجان؛ جمشیدی، رحیم و حیدری‌نژاد، صدیقه. (۱۳۹۳). اولویت‌بندی موانع کارآفرینی از نظر دانشجویان تربیت‌بدنی

با استفاده از روش TOPSIS. دوفصلنامه پژوهش در ورزش تربیتی، ۲(۶)، ۳۲-۱۵.

انصاری، محمدتقی و فکور، بهمن. (۱۳۹۲). بررسی عوامل ضد انگیزشی دانشجویان و دانش‌آموختگان جوان ایرانی در تأسیس بنگاه کارآفرینانه. فصلنامه مدیریت توسعه فناوری، ۱(۱)، ۱۴۸-۱۳۳. DOI: 10.22104/jtdm/10.1376.2013.1400/5/15. برداشت در تاریخ ۱۴۰۰/۵/۱۵. از نشانی الکترونیکی: <https://www.mehrnews.com/news/4679855>

ذبیحی، حسین؛ شجاعی، وحید و حامی، محمد. (۱۳۹۷). بررسی رابطه بین سواد مهارتی، سواد دانشگاهی و موفقیت کسب‌وکار ورزشی با نقش میانجی گرایش کارآفرینانه. فصلنامه علمی - پژوهشی پژوهش‌های کاربردی در مدیریت ورزشی، ۲۷(۶)، ۶۴-۵۵.

شریفی، زینب؛ ایروانی، هوشنگ و دانشورعامری، ژیللا. (۱۳۹۸). بررسی گرایش زنان روستایی به اشتغال (مورد مطالعه: زنان روستایی شهرستان نجف‌آباد). زن و جامعه، ۱۰(۳۷)، ۲۳۶-۲۱۷.

شفیعی، سلیمان و زارع امین. (۱۳۹۷). روش‌شناسی فراتحلیل در علم اطلاعات و دانش‌شناسی: چستی، ویژگی‌ها و چالش‌ها. مطالعات کتابداری و علم اطلاعات، ۲۶(۱)، ۷۲-۵۷.

شفیعیان، امیرحسین؛ محمدی الیاسی، قنبر؛ احمدپور داریانی، محمود؛ خاندوزی، سید احسان؛ یاداش، حمید. (۱۴۰۰). شاکله دانش در نظریه توانمندسازی کارآفرینانه فقرا: یک تحلیل وسیع علم‌سنجی، توسعه کارآفرینی، ۱۴(۱)، ۹۹-۱۱۸.

صفایی، صفی‌اله؛ ایزدی، نسیم و موسیوند، مریم. (۱۳۹۹). تحلیل و مقایسه نیت کارآفرینانه دانشجویان دانشکده کشاورزی بوعلی سینا و پیام‌نور استان همدان. دوفصلنامه نوآوری و ارزش‌آفرینی، ۱۷(۱۷)، ۱۹۸-۱۸۳.

صمدی میارکلائی، حسین و صمدی میارکلائی، حمزه. (۱۳۹۷). رتبه‌بندی و مقایسه دانشگاه‌های استان مازندران در زمینه‌ی کارآفرینی دانشگاهی. مجله ایرانی آموزش در علوم پزشکی، ۱۸، ۴۸۷-۴۹۵.

غیائی، عبدالرحیم. (۱۳۹۴). بررسی رابطه سبک‌های حل مسئله و تمایل به کارآفرینی دانشجویان (مورد مطالعه: دانشجویان کشاورزی و منابع طبیعی دانشگاه زابل). فصلنامه علمی پژوهشی توسعه کارآفرینی، ۸(۱)، ۱۵۸-۱۳۹.

فراهانی، ابوالفضل؛ صفرنژاد، مه‌ری و فراهانی، زهرا. (۱۳۹۷). تحلیل عوامل بازدارنده رفتاری و انسانی در اشتغال و کارآفرینی ورزش ایران. فصلنامه علمی-پژوهشی مطالعات مدیریت رفتار سازمانی در ورزش، ۶(۱)، ۲۱-۱۱.

کبیری، فاطمه و موغلی علیرضا. (۱۳۹۷). ان مهارت‌های افزایش‌دهنده‌ی گرایش کارآفرینی در نظام آموزش عالی ایران (مطالعه دانشگاه‌های شهر شیراز). پژوهش‌های مدیریت عمومی، ۱۱(۴۲)، ۸۱-۶۱.

مردانشاهی، محمد مهدی. (۱۳۹۶). بررسی عوامل موثر بر توسعه فناوری اطلاعات و ارتباطات در کسب و کارهای دانش بنیان کشاورزی (مطالعه موردی: مرکز رشد واحد‌های فناور طبرستان). فصلنامه رشد فناوری، ۵۲(۱۳)، ۲۴-۳۱.

مرکز آمار ایران. گزارش بررسی نتایج طرح آمارگیری نیروی کار - بهار ۱۴۰۰. برداشت در تاریخ ۱۴۰۰/۵/۱۵. از نشانی الکترونیکی: [15732/https://www.amar.org.ir/news/ArticleType/ArticleView/ArticleID](https://www.amar.org.ir/news/ArticleType/ArticleView/ArticleID/15732)

ملک‌پور، علی و محمدی، فؤاد. (۱۳۹۲). بررسی زمینه‌ها و موانع اشتغال فارغ‌التحصیلان دانشگاهی مقطع کارشناسی رشته‌های علوم انسانی شهرستان بیجار. ماهنامه فرهنگی، اقتصادی، اجتماعی کار و جامعه، ۱۵۷(۱۰)، ۳۷-۲۴.

موسوی، سیدسعادت؛ علم‌بیگی، امیر و رضایی، عبدالمطلب. (۱۳۹۴). پیش‌بینی تمایل به راه‌اندازی یک کسب‌وکار کارآفرینانه در میان دانشجویان کشاورزی بر اساس ابعاد قابلیت اشتغال. تحقیقات اقتصاد و توسعه کشاورزی ایران (علوم کشاورزی ایران)، ۴۶(۴)، ۷۹۱-۷۸۳.

نادری، نادر؛ نجف‌پور، هدا؛ یوسفی، زهرا و دست‌نشان، حامد. (۱۳۹۴). توسعه کسب و کارهای کارآفرینانه شناسایی موانع کشاورزی از دیدگاه کارشناسان جهاد کشاورزی شهرستان کرمانشاه. کنفرانس بین‌المللی پژوهش در علوم و تکنولوژی، موسسه مدیران ایده‌پردازان پایتخت ایلینا، انجمن اقتصاد و انرژی، (۱) ۱۳۹۴.

- BUI, T. H. V., NGUYEN, T. L. T., TRAN, M. D., & NGUYEN, T. A. T. (2020). Determinants influencing entrepreneurial intention among undergraduates in universities of Vietnam. *The Journal of Asian Finance, Economics, and Business*, 7(7), 369-378.
- Cera, G., Mlouk, A., Cera, E., & Shumeli, A. (2020). The impact of entrepreneurship education on entrepreneurial intention. A quasi-experimental research design. *Journal of Competitiveness*. DOI:https://doi.org/10.7441/joc.2020.01.03
- Ferretti, M., Ferri, S., Fiorentino, R., Parmentola, A., & Sapio, A. (2019). Neither absent nor too present: the effects of the engagement of parent universities on the performance of academic spin-offs. *Small Business Economics*, 52(1), 153-173.
- Gwet, K.L. (2014). Handbook of inter-rater reliability: *The definitive guide to measuring the extent of agreement among raters*. Advanced Analytics LLC.
- Hu, R., & Ye, Y. (2017). Do entrepreneurial alertness and self-efficacy predict Chinese sports major students' entrepreneurial intention? *Social Behavior and Personality: an international journal*, 45(7), 1187-1196. DOI: https://doi.org/10.2224/sbp.6356
- Huang, R. (2013). International experience and graduate employability: Perceptions of Chinese international students in the UK. *Journal of Hospitality, Leisure, Sport & Tourism Education*, 13, 87-96.
- Liñán, F., & RodríguezCohard, J. C. (2015). Assessing the stability of graduates' entrepreneurial intention and exploring its predictive capacity. *Academia Revista Latinoamericana de Administración*. 28(1), pp. 77-98. DOI: https://doi.org/10.1108/ARLA-06-2013-0071
- Neuendorf, K. (2017). *Defining content analysis*. In *The content analysis guidebook* (pp. 1-35). SAGE Publications, Inc, https://www.doi.org/10.4135/9781071802878
- Ramoni, S. A. (2016). Determinants of entrepreneurial intention among Nigerian university graduates. *World Journal of Social Sciences*, 6(1), 45-59.
- Tomy, S., & Pardede, E. (2020). An entrepreneurial intention model focussing on higher education. *International Journal of Entrepreneurial Behavior & Research*. 26(7), pp. 1423-1447. DOI: https://doi.org/10.1108/IJEER-06-2019-0370